

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۶ نومبر ۲۰۱۶

پایان نظم جهانی بعد از جنگ

نظم لیبرالی که بعد از جنگ به وسیله امریکای فاتح بر جهان تحمیل شده بود، رو به پایانی است. فروپاشی شوروی این امید را در دل طبقه حاکم امریکا گنجانید که تفوق سیاسی و نظامی امریکا برای همیشه پا برجا خواهد ماند و در آینده نزدیک قدرتی ظهور نخواهد کرد که امریکا را به مبارزه بطلبد. لکن این آروزی امریکا زود گذر بود و خلاف توقع، قدرت های دیگری تبارز کرده اند که جایگاه جهانی امریکا را زیر سؤال برده اند. روسیه دوباره در حال عروج است. چین از نظرگاه اقتصادی و نظامی با امریکا رقابت می کند. لذاء جهان به سوی چند قطبی شدن روان است که دیر یا زود بر نظم تحمیلی امریکا که بیش از ۷۰ سال سلطه این کشور را تثبیت نمود، نقطه پایان خواهد گذاشت.

امریکا هنوز هم یک غول اقتصادی و نظامی است که به بسیار آسانی ناپدید نمی شود، ولی نفوذ جهانی اش رو به کاهش است. تغییرات ساختاری در اقتصاد دنیائی و ظهور قدرت های متوسط در اکناف جهان، باعث شده است که امریکا و اروپا بیش از این محور اقتصادی و صنعتی نباشند. شرق دور با محوریت چین بزرگترین رقیب امریکا در صحنه سیاسی و اقتصادی خواهد بود که در این محاسبه اروپا کاملاً به حاشیه خواهد رفت. صرف نظر از این که کدام فرد رئیس جمهور امریکا خواهد بود، کاهش نفوذ جهانی امریکا ناگزیر خواهد شد. بدون تردید که امریکا تلاش خود را در تحکیم نظم تحمیلی بعد از جنگ خواهد کرد، اما موفقیتش دور از امکان خواهد بود.

ظهور ناسیونالیسم در اروپا، خروج برتانیه از اتحادیه اروپائی و پیروزی ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا فضای سیاسی جدیدی را ترسیم می کند که امریکا شاید در تعهدات خود نسبت به حمایت نظامی و سیاسی سایر کشور های متحد تجدید نظر نماید. اگر این تحول جامعه عمل ببوشد، در این صورت ممکن است که حتا موجودیت ناتو من حیث پایگاه نظامی امریکا زیر سؤال برود. اگر ناتو کشتش نیروی بازدارنده را از دست بدهد، پس مفیدیتش چه خواهد بود؟ روسیه دوباره زنده شده است و امریکا هم قادر نیست که سد راه صعود این کشور شود. روسیه در جورجیا، اوکراین و ماورای سرحدات شوروی در سوریه ثابت ساخت که می تواند جلو موفقیت ناتو را در مجموع و امریکا را طور خاص بگیرد. در اروپا، تهدیدات ناتو نتوانست روسیه را به عقب نشینی وادار سازد. روسیه کماکان می تازد و به پیش می رود. همچنان تعزیرات شدید اقتصادی غرب، قادر نشد که روسیه را از پای انداخته و جلو تاخت و تاز های این کشور را بگیرد. تصور می شود که اروپا به یک واقعیت جدید سیاسی مواجه خواهد شد که بایست آن را خردمندانه ارزیابی کند و الا این قاره به سوی جنگ جهانی سوم خواهد شتافت.

در شرق دور و جنوب آسیا، دگرگونی هائی در حال تکوین است که نفوذ و نقش امریکا را در آینده تقلیل بخشیده و یا خنثی خواهد ساخت. نه تنها ظهور چین و هند، بلکه رشد سریع اقتصادی کشور جنوب شرق آسیا و سرازیر شدن ثروت به این قسمت دنیا، موجودیت "حمایتی" امریکا را بیش از این بی لزوم جلوه می دهد. "امریکا محوری" شرق دور در محیط ساختن چین به موفقیت نرسیده و حتا کشوری مانند فیلیپین که سال ها متحد نظامی و سیاسی امریکا در آن منطقه بود، از این کشور دوری جسته و به سوی چین گرایش نشان می دهد. احصائیه ها پیش بینی می کنند که تولید مجموعی ناخالص دو غول نو اقتصادی یعنی چین و هند در سالیان ۲۰۶۰-۲۰۶۵ بیشتر از کشور های پیشرفته کنونی شده و به تناسب ۵۷ فیصد و ۴۲ به ضرر امریکا و اروپا تمام خواهد شد. این رقم به اثبات می رساند که پایه های اقتصادی نظم لیبرال جهانی بعد از جنگ دوم در حال تغییر است که هیچ قدرتی جلو آن را گرفته نمی تواند. باید علاوه شود که خطرات امنیتی ناشی از تروریسم، جنگ های محلی و منطقه ئی هم نظم تحمیلی امریکا را به خطر مواجه ساخته است. در نظم نوین جهانی، یگانه قدرت حاکم وجود نخواهد داشت، بلکه قدرت های محوری دیگری تبارز خواهند کرد که اداره نظم نو را به دوش خواهند گرفت. مؤسساتی ظهور خواهند کرد که با مؤسسات تحت نظر امریکا مانند بانک جهانی و صندوق وجهی بین المللی به رقابت برخوانند ساخت. به طور مثال، بانک سرمایه گذاری زیربنائی آسیائی، بانک انکشاف آسیائی مورد حمایت امریکا را به مبارزه خواهد طلبید و از اهمیتش خواهد کاست. شرایط توزیع قرضه برای تمویل پروژه های زیر بنائی از جانب بانک سرمایه گذاری زیربنائی آسیائی به مراتب سهل تر خواهد بود که هیچ گونه خواست های سیاسی همراه نخواهد داشت. این روش باعث خواهد شد که کشور های آسیائی از قیودات بانک انکشاف آسیائی رهائی یابند و سلطه اقتصادی امریکا را محدود و یا نابود سازند. به موازات آن، شاید بین واحد پول چین در داد و ستد تجارتي عملاً در رویارویی با دالر قرار خواهد گرفت و ارزش پول امریکا را کاهش خواهد داد. اینجاست که ما شاهد دگرگونی بزرگی در سطح دنیائی خواهیم بود.

تصور می شود که نظم نو جهانی باعث خواهد شد که کشور های کمتر انکشاف یافته از تسلط غرب نجات یابند و راه مستقل پیشرفت را طبق شرایط خود در پیش گیرند. لکن اشتباه نشود که این تحول و دگرگونی، به یک بارگی اتفاق نخواهد افتاد. امریکا سرسختانه مقاومت خواهد کرد و کشور های رقیب هم به جلو خواهند رفت و احتمال برخورد های نظامی بیشتر خواهد شد. به هر حال، برای نظم نو جهانی باید آماده شد.